

# فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال دوم، زمستان ۱۴۰۱

شماره هفتم

- واکاوی فقهی قصاص انواع کافر (سید محمد حسینی دره صوفی)
- بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد (داود عطایی)
- مجازات شروع به جرم از منظر قوانین موضوعه ایران و افغانستان (قربانعلی مبلغ)
- عدالت اجتماعی در اندیشه شهید مطهری (سبحان دانش)
- تحلیل فقهی و حقوقی ماهیت شرط فعل در قراردادهای الکترونیکی (سید حسن مبارز)
- جهل و عواقب آن در قرآن (ابراهیم افتخاری)
- مقایسه و نسبت سنجی فقه و اخلاق از منظر منابع و روش (سید رضی قادری)

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر  
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی  
ویراستار: سید محمد نقوی  
گرافیسیت: سید محمود محسنی  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)  
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶  
سایت فصلنامه: [nasimekosar.blog.ir](http://nasimekosar.blog.ir)  
ایمیل: [nasimkosar1399@gmail.com](mailto:nasimkosar1399@gmail.com)  
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

## راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی چند سطحی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

## اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۵. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۶. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.



سال دوم، زمستان ۱۴۰۱، شماره ۷

## بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد

داود «عطایی

### چکیده

قتل، همواره یکی از بزرگترین جنایات در طول تاریخ بشر بوده و فاعل آن در اذهان عموم، انسان شرور، جنایت کار و ضد انسانیت تلقی می‌شود، اما اگر این جنایت را نسبت به فاعل آن در نظر بگیریم فقط در یک صورت خباثت باطنی و انگیزه‌ی شرورانه‌ای او را نسبت به جنایت بیان می‌کند؛ و آن صورت عمدی و عدوانی قضیه است. این نوشتار اول در بررسی ظابطه‌ی فقهی مسأله پرداخته و دیدگاه‌های فقها را با توجه به ادله‌ی آنها مورد بررسی قرار داده و در نتیجه نظریه‌ی مشهور فقها بر این شد که معیار قتل عمد دو چیز است یا قصد قتل داشته باشد چه آن که آله کشنده باشد یا خیر، و یا اینکه آله یا رفتار غالباً کشنده باشد ولو اینکه قصد قتل را هم نداشته باشد، که بعضی فقها از این جهت عمد می‌دانند که در چنین موارد هرچند قصد ضمنی وجود دارد. بدنبال ظابطه‌ی فقهی، مقاله در بررسی معیار حقوقی قتل عمد پرداخته با عنایت به ماده ۲۰۶ ق.م.ا معیار قتل عمد در چهار بند تقریر شده در بند (الف) و (ب) معیار قتل عمد طبق نظریه مشهور فقها، قصد و رفتار نوعاً کشنده تبیین شده اما در بند (ج) تقریر شده که هرچند قصد قتل نبوده و رفتار هم نوعاً کشنده نباشد ولی نسبت به مجنی علیه بدلیل مرض یا ضعف جسمی کشنده بوده بازهم قتل عمد است.

**کلید واژه:** قتل عمد - شبه عمد - خطأ محض - معیار فقهی - معیار حقوقی

## ۱. مقدمه

برخلاف مسئولیت مدنی علی الاصل مسئولیت کیفری بر مبنایی سوء نیت تحقق پیدا می‌کند؛ بر همین مبنا است که قتل خطاء مسئولیت کیفری ندارد، مسئولیت مدنی حق خصوصی است در هر شرایط، اگر حق کسی ضایع شود باید به ذی حق برسد، اما مسئولیت کیفری از حقوق عمومی - جامعه - بوده مثلاً شخصی مجرم، امنیت جامعه را مختل کرده و جامعه حکم می‌کند که باید مجرم اصلاح شود بنابر این اصلاح در جایی محقق می‌شود که کسی با سوء نیت فعل را مرتکب شود و قصد ارتکاب جرمی را داشته باشد پس در نتیجه کسی مرتکب عملی شود که خلاف قانون است بدون قصد و سوء نیت، جامعه راضی به مجازات آن کس نخواهد بود.

البته ارتکاب عمل مجرمانه، به خودی خود دلیل وجود عنصر روانی نیست و در مواردی با وجود آنکه عمل مجرمانه ارتکاب می‌یابد، قانون مرتکب را به خاطر فقدان قصد جنایی یا مسئولیت کیفری قابل تعقیب نمی‌داند؛ زیرا هر انسانی نتایج و عواقب نامطلوب جرمی که از روی درک، اختیار، اراده و عمد مرتکب شده است را به دوش می‌کشد و از طرفی مرتکب تنها در صورتی از نظر کیفری مسئول قلمداد می‌شود که توانایی و اهلیت درک اعمال و رفتار خود را داشته باشد و به عبارتی قادر به فهم ماهیت اعمال و اوضاع و احوال بوده، عواقب عمل خود را سنجیده و توانایی کنترل رفتار خود را داشته باشد.

چنانکه ملاحظه می‌شود، عنصر روانی ماهیت ساز است؛ بنابراین رسیدن به شناختی دقیق از چیستی عنصر روانی، راهبرد ضروری است تا نوع قتل از جهت عمدی و غیر عمدی و شقوق آن مشخص شود. در چیستی و ماهیت عنصر معنوی آنچه در نصوص فقهی و قانونی محوریت دارد، مفهوم قصد است. به نظر می‌رسد با تبیین قصد و ابعاد آن بتوان جرایم عمدی را از غیر عمدی تخیص داد.

براین اساس، قتل‌ها دارای دلایل گوناگون و اشکال مختلف‌اند؛ در فقه اسلامی و قوانین حقوقی، قتل را به قتل عمد، شبه عمد و خطاء محض تقسیم کرده و برای هر کدام معیار و ضابطه‌ی تعریف کرده است؛ هدف این مقاله بررسی معیار و ضابطه‌ی قتل عمد از دیدگاه قوانین حقوقی و فقه اسلامی است و تعیین اینکه در تحقق قتل عمد، عنصر روانی چه مقدار

## بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد \* ۳۷

نقش دارد علی رغم قصد قتل آیا رفتار مرتکب نقش در این ظابطه دارد یا ندارد آیا وسیله و آله قتل مدخلیت دارد یا فقط نمایانگر عنصر روانی است و خودش فی نفسه هیچ مدخلیت ندارد.

### ۲. مفهوم عمد

عمد در لغت به معنی انجام دادن کاری از روی قصد و نیت آمده (معین، واژه عمد) اما از لحاظ اصطلاحی عمد بیشتر به ارتکاب خود فعل تعلق می‌گیرد و قصد به نتیجه فعل، برای مثال اگر کسی صیغه طلاق را به قصد تعلیم جاری کند، قصد طلاق نداشته اما در بیان صیغه طلاق عامد بوده است (قیاسی و ساریخانی، ۱۳۹۵، ج ۳ ص ۵۴). عمد با اراده نیز فرق دارد زیرا اراده اعم از عمد است به دلیل اینکه در تمام جرایم اعم از عمدی یا غیر عمدی اراده‌ی ارتکاب عمل وجود دارد (گلدوزیان، ۱۳۹۶، ص ۲۱۲) به بیان دیگر اراده شرط مجازات مرتکب است هیچ مجرم بدون اراده‌ی ارتکاب جرم مجازات نمی‌شود ولی عمد شرط مجازات نیست چنانچه در قتل خطا یا شبه خطا ملاحظه می‌کنیم که مجازات مالی دارد ولی عنصر عمد دخالت ندارد.

### ۳. معیار فقهی قتل عمد

در فقه اسلامی قتل به عمد، شبه عمد و خطاء محض تقسیم است و برای هر کدام معیار و ظابطه‌ی ذکر شده است. (نجفی، ۱۴۲۸، ج ۴۲ ص ۱۸)

ظابطه در قتل خطای محض آن است که فاعل نه قصد فعل را داشته و نه قصد نتیجه فعل را مثل اینکه به قصد شکاری حیوان، تیری را رها کند به انسانی بخورد و او را بکشد در این صورت به اتفاق فقها قتل خطایی محض است.

اما معیار شبه عمد آن است که فاعل فعل را با اراده و قصد انجام می‌دهد ولی قصد نتیجه فعل را ندارد مثل اینکه پدر به قصد تأدیب پسر خود را می‌زند ولی این فعل منجر به قتل پسر می‌شود در صورت که نوع رفتار عادتاً کشنده نباشد، قتل شبه عمد است.

اما وقت شیوه‌ی ارتکاب قتل یا به عبارت دیگر ظابطه قتل را بطور کلی بررسی کنیم به چهار صورت بر می‌گردد.

الف) شخصی با قصد قتل و با رفتار نوعا کشنده ضربه‌ی وارد می‌کند که منجر به قتل کسی می‌شود چنین قتلی عمد است به اتفاق فقها زیرا ارکان مادی و معنوی در آن تمام است.

ب) شخصی با قصد قتل و با رفتار که عادتاً کشنده نیست، کسی را می‌کشد، مشهور فقها عمد است مثل اینکه فاعل با قصد قتل سر مجنی علیه زیر آب نگهدارد به مدت مثلاً ده ثانیه که غالباً کشنده نیست ولی مجنی علیه اتفاقاً فوت کرد مشهور فقها بدلیل وجود قصد، چنین قتل را عمد می‌دانند.

ج) شخصی بدون قصد قتل اما با رفتار عادتاً کشنده، موجب قتل کسی می‌شود این صورت محل اختلاف فقها است.

د) صورت دیگری نیز تصور می‌شود مبنی بر اینکه شخصی، بدون قصد قتل و با رفتار نوعا کشنده نیست ولی اتفاقاً مجنی علیه کشته شد چنین فرضی به اتفاق فقها غیر عمد است.

#### ۴. بررسی دیدگاه فقها

دسته اول: گروهی از فقها معیار قتل عمد را قصد قتل با رفتار یا آله نوعا کشنده می‌دانند یعنی وجود قصد را لازم دانسته و تنها رفتار نوعا کشنده را موجب قصاص نمی‌دانند این گروه بیان می‌کنند در جرائم عمدی مقید، مثل قتل عمد، فعل و نتیجه آن هر دو باید مورد اراده و خواست فاعل باشد به عبارت دیگر هر گاه مجرم نتیجه‌ای را که به او نسبت داده شده است قبلاً در نظر گرفته و با توجه به نتیجه مجرمانه، عمل را مرتکب شده است، در واقع مرتکب جرم عمدی شده است، ولی اگر فاعل قصد فعل داشته باشد بدون آنکه نتیجه مجرمانه‌ای را که از آن حاصل می‌شود، درخواست کند و ترتب این نتیجه بر فعل ارتكابی، محتمل و قابل پیش بینی باشد، ولی فاعل ازارتکاب آن نپرهیزد، عمل فاعل حسب مورد در حکم عمد. برخی از عبارات فقها زیلا بیان می‌شود.

ابن براج<sup>۱</sup>: قتل عمد، آن است که قاتل مقتول را عمدا بکشد بسبب آله که غالباً کشنده است

۱ فاما العمد المحض: فان يكون القاتل عامدا في قتل المقتول، بألة تقتل غالبا مثل السكين والسيف، والحجر الثقيل، واللت، وما أشبه ذلك، عامدا في قصده وهو ان يقصد بذلك قتله. فاذا كان عامدا في قصده، عامدا في فعله، كان القتل عمدا محضا.



## بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد \* ۳۹

مثل شمشیر، چاقو، سنگ بزرگ و امثال اینها منوط به اینکه در قصد و فعلش عمد داشته باشد. از عبارت ابن براج استفاده می‌شود که در معیار قتل عمد، قصد قتل همراه با رفتار نوعا کشنده را شرط می‌داند (قاضی ابن براج، ۱۳۰۶ ج ۲ ص ۴۵۶)

ابن ادريس حلی<sup>۱</sup>: قتل عمد آن است که عمدا کسی را بکشد با آله قتاله مثل شمشیر، چاقو و سنگ بزرگ و در قصد خود عمد داشته باشد یعنی با این وسایل قصد کشتن را داشته باشد (حلی، ۱۴۲۳، ج ۳ ص ۳۲۱).

دسته دوم: گروهی دیگر معیار قتل عمد را فقط قصد نتیجه می‌دانند یعنی آله قتاله چه نوعا کشنده و چه نادرا کشنده باشد اگر قصد نتیجه را کرده باشد عمد است.

ابن حمزه طوسی<sup>۲</sup>: قتل عمد محض باید دارای پنج شرط باشد، قاتل بالغ باشد، از نظر عقل کامل باشد، مقتول باید شخص معین باشد، قاتل قصد قتل داشته باشد باهر وسیله‌ی که ممکن است روح را از بدن سلب کند و حتی فرق بین اینکه غالبا کشنده باشد یا نه، نیست مثل سوزاندن، زندانی کردن بدون آب و غذا و مثل این موارد موجب قصاص می‌شود (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۴۲۹).

بنابه نظر ابن حمزه اولاً در قتل موجب قصاص «قصد» لازم است و رفتار یا وسیله به تعبیر ایشان مدخلیت ندارد و ثانياً مقتول در نظر جانی باید معین باشد پس در مثال: شخصی بنام (الف) یک لیوان آب سمی را به آقای (ب) می‌دهد با علم به اینکه لیوان آب سمی و کشنده است و آقای (ب) لیوان آب را به شخصی دیگر بنام (ج) می‌دهد و او سر می‌کشد و فوت می‌کند. در این مثال آقای «الف» را نمی‌توان قاتل عمدی آقای «ج» دانست زیرا او قصد مسموم کردن «ج» را نداشت اگرچه قصد کشتن «ب» را داشت.

---

۱ عمد محض، و هو ان یکون عامدا الی قتله بألة تقتل غالبا، کالسيف، و السکین، و اللت، و الحجر الثقيل، عامدا في قصده، و هو ان يقصد قتله بذلك، فمتی کان عامدا في قصده، عامدا في فعله، فهو العمد المحض.

۲ فالعمد المحض: ما اجتمع فيه خمسة شروط: أن يكون القاتل بالغا، كامل العقل، قاصدا إلى القتل، وإلى المقتول بما يمكن زهاق الروح بسببه غالبا أو نادرا، سواء كان بألة قاطعة، أو مثقلة، أو محرقة، أو دافعة للتنفس، أو بحبس عن الطعام والشراب، أو تغريق، أو إخراج الدم على وجه يقتل، أو علاج الطبيب بشئ لم تجر العادة بحصول نفع فيه. وموجب ذلك القود لا غير

امام خمینی: (یتحقق العمد محضا بقصد القتل بما يقتل ولو نادرا) (لنکرانی، ۱۴۲۹، کتاب قصاص ص ۱۳) قتل عمد تحقق می‌یابد بقصد قتل ولو اینکه وسیله نادرا کشنده باشد یعنی معیار قصد است اگرچه ایشان صورتی را که آله کشنده باشد و قصد هم نباشد عمد می‌داند. صاحب جواهر در تفصیل نظر امام فرموده است که طبق قاعده که قصد قتل بوده و آن هم در خارج تحقق پیدا کرده باید عمد باشد و اینکه آله غالبا قتاله نباشد تأثیر در خروج از قاعده ندارد.

ایشان در استدلال به این مدعا به روایات چندی تمسک نموده از جمله روایت حلبی از امام صادق (ع) امام فرمود: قتل عمد آن است که انسان با آهن یا سنگ یا چوپ یا عصا یا مشت کسی را بزند و به او بخورد و بی‌میرد تمام اینها عمد است و خطا آن است که قصد کند چیزی را و اصابت کند به چیزی دیگری (طوسی، ۱۳۵۱، ج ۷ ص ۲۷۸).  
دسته سوم: بعضی فقها استفاده از آلهی قتاله را به تنهایی، مصداق قتل عمد می‌دانند و مرتکب آن را مستحق قصاص می‌دانند.

صاحب جواهر: اگر جانی قصد قتل را داشته باشد و با وسیله‌ی که نوعا کشنده است چنین قتل عمد است و اختلاف در آن نیست. بلکه اگر قصد زدن را داشته باشد با وسیله‌ی نوعا کشنده اگرچه قصد قتل را هم نداشته باشد باز هم قتل عمد است. صاحب جواهر دلایل زیادی بر نظریه خود ذکر نموده است (نجفی، ۱۴۲۸، ج ۴۲ ص ۱۲)

الف) دلیل عقلی: اگر تصور کنیم که با وسیله‌ی نوعا کشنده کسی را بزند چنین کاری منفک از قصد قتل نیست یا رفتار که با مجنی علیه داشته غالباً کشنده بوده نمی‌شود رفتار کشنده باشد ولی قصد قتل نداشته باشد عبارت دیگر قصد زدن با آله قتاله عرفا به منزله قصد قتل است. (قصد ضمنی)

با عنایت به این مطلب؛ اگر منظور صاحب جواهر این است که در چنین مواردی قتل عمد است بدلیل قصد ضمنی، پس نباید رفتار و یا آله را به تنهای معیار قتل عمد دانست بلکه به این دلیل عمد است که در چنین موارد منفک از قصد نیست و معیار اصلی در عمد بودن قصد است نه رفتار نوعا کشنده.

## بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد\* ۴۱

(ب) روایت: <sup>۱</sup> راوی از امام کاظم (ع) سوال کرد از مردی که با عصی مردی را زد تا اینکه مُرد سوال کردم آیا اولیاء مقتول حق قصاص دارد؟ امام فرمود بله ولکن باشمشیر اورا بزند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹ ص ۳۹)

در این روایت آمده مردی کسی را باعصا زد انقدر زد تا اینکه فوت کرد. پس رفتار نوعا کشنده بوده زیرا تا وقت نکشته رها نکرده ولی وسیله نوعا کشنده نیست مثل عصا در حال که تعبیر صاحب جواهر به وسیله است نه رفتار، اما صاحب جواهر از کجایی روایت عدم قصد را استفاده کرده واضح نیست و در روایت هم بیان نشده که آیا قصد قتل را داشته یا خیر؟ اما از عبارت (فلم یرفع العصا حتی مات) می شود استفاده کرد که قصد قتل هم داشته و حتی بالاتر از آن با شکنجه‌ی بسیار شدید مجنی علیه را کشته است ولی امام فرموده نباید مثل جانی مُثله کرد و با شکنجه شدید اورا قصاص کرد بلکه با شمشیر باید قصاص کند.

بنابر این بنظر نمی‌رسد این روایت مدعای صاحب جواهر را اثبات کند از چند جهت دارایی اشکال است چنانچه بررسی شد.

(ج) اجماع منقول. اجماع منقول به تنهایی حجت نیست اگر روایات از جهت دلالت قوی می‌بود حجیت اجماع نیز اثبات می‌شد ولی بدلیل اینکه اجماع منقول پشتوانه ندارد حجت نیست.

فاضل هندی: اگر قاتل قصد کند کاری را که نوعا کشنده است و به این کار خود نیز آگاه باشد که نوعا کشنده است، قتل عمد است و مستحق قصاص است اگرچه قصد قتل را نداشته زیرا قصد سبب (رفتار کشنده) همان قصد مسبب (قتل) است (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۱ ص ۱۰).

علی الظاهر دلیل فاضل هندی این است که عرفا قصد سبب همان قصد مسبب است. ولی در تعبیر ایشان مسامحه‌ی آشکار است زیرا جانی اصلا قصد مسبب را نداشته چطور می‌شود قصد سبب را مساوی با قصد مسبب دانست شبیه این تعبیر را صاحب جواهر نیز داشت اما در آن مسامحه‌ی دیده نمی‌شد زیرا عرفا قصد زدن با آله قتاله جدای از قصد قتل نیست با

---

۱ وبالإسناد، عن ابن أبي نصر، عن موسى بن بكر، عن عبد صالح عليه السلام في رجل ضرب رجلا بعصا فلم يرفع العصا حتى مات، قال: يدفع إلى أولياء المقتول ولكن لا يترك يتلذذ به ولكن يجاز عليه بالسيف.

تعبیر فاضل هندی فرق دارد و شاید منظور فاضل هندی با صاحب جواهر یکی است. مجلسی: ظابطه در قتل عمد این است که جانی قصد کند قتلی کسی را یا بزند با چیزی که غالباً کشنده است قتل عمد است اگرچه قصد قتل هم نداشته باشد و دلیل ایشان همان روایت است که صاحب جواهر استناد کرده بود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰ ص ۳۱۲)

سلیمان بن خالد از امام صادق (ع) سوال کرد از کسی که با عصا مردی را زد و از زدن دست برداشت تا اینکه مجنی علیه فوت کرد آیا اولیاء مقتول می‌تواند قصاص کند؟ امام فرمود بله ولی حق مُثله ندارد با شمشیر او را قصاص کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹ ص ۳۹)

اشکال که در دلالت این روایت بر مدعای صاحب جواهر وارد بود بر مجلسی نیز وارد است یعنی نمی‌شود عدم قصد را از روایت ثابت کرد که حتی وجود قصد را می‌شود اثبات کرد با عبارت (فلم یرفع العصاص حتی مات).

آقای خویی هم می‌نویسد: اظهر آن است که عمدی که موجب قصاص است با قصد کردن آن وسیله که عادتاً کشنده است محقق می‌شود اگرچه آن فرد از ابتداء قصد قتل نداشته باشد، ایشان قصد فعل را به معنای قصد قتل نمی‌داند، اما می‌گوید فرض نمی‌شود که کسی قصد فعل داشته باشد و بداند که این فعل، سبب قتل است، ولی قصد تبعی قتل نداشته باشد، عادتاً چنین چیزی ممکن نیست، طبق نظر ایشان قصد فعل، قصد اصلی و قصد قتل، قصد تبعی است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲ ص ۳-۴).

به نظر می‌رسد در این بیان مسامحه‌ای صورت گرفته است؛ بدلیل اینکه: اولاً: قصد سبب در حالی که انسان علم به سببیت داشته باشد از قصد مسبب قابل انفکاک است بنابراین انسان می‌تواند فعل را قصد کند اما مسبب (قتل) را قصد نکند خامنه‌ای، درس خارج فقه

ثانیاً: این نکته‌ای که ایشان فرموده که قصد مسبب، تبعی است، این هم بنظر می‌رسد که مسامحه دیگری است، قصد تبعی در آنجایی است که قصد هست منتهی اصالت ندارد، بنابراین این تبعیت در آنجایی است که انسان قصد مسبب را اصالتاً دارد و قصد مقدمه آن که در حکم سبب است قصد تبعی است، نه اینکه قصد سبب را دارد و قصد مسبب تابع آن باشد بنابراین این دیدگاه، گروهی که می‌فرمایند، اگر جانی قصد فعل دارد بالتبع قصد قتل را دارد،

## بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد \* ۴۳

قابل قبول نیست، فلذا شخص می‌تواند قصد فعل را داشته باشد، اما قصد قتل را نداشته باشد، خامنه‌ای، درس خارج فقه.

امام خمینی: امام نیز موافق با دیدگاه مشهور است و فرموده است معیار قتل عمد دو چیز است یا قصد قتل داشته باشد چه آنکه آله کشنده باشد یا خیر و یا اینکه آله کشنده باشد اگرچه قصد قتل را هم نداشته باشد باز هم قتل عمد است (لنکرانی، ۱۴۲۹، کتاب قصاص ص ۱۳)

### ۵. معیار حقوقی قتل عمد

#### ۵-۱. عمد در حقوق کیفری

افعال عمدی تجلی قصد یا نیت انسان در جهتی است که فاعل آن را اراده کرده است تعریف زیادی از عمد ارائه شده است. بعضی از علمای حقوق عمد را «کشش اراده به طرف یک هدف مشخص مخالف منفعت اجتماعی» تعبیر کرده است این تعریف اولاً دقیق نیست زیرا صرف کشش اراده به جرم اعم از عمد و شبه عمد است و ثانیاً مانع نیست زیرا داعی ارتکاب جرم نیز داخل تعریف می‌شود و حال آنکه مجرد داعی ارتکاب جرم قتل، عمد است و عده‌ای دیگر معتقدند عمد یا قصد جزایی عبارت است از «انصراف اراده‌ی جانی به وقوع فعل و عنوان مجرمانه با علم به ممنوعیت آن» (صادقی، تهران، ۱۳۹۰). این تعریف هم ابهام دارد تعریف دقیق بنظر نمی‌رسد.

برخی دیگر در مورد قتل چنین می‌نویسند: «قتل عمدی عبارت است از فعل بدون مجوز قانونی عمدی و آگاهانه یک انسان، به نحوی که منتهی به مرگ انسان دیگری شود» (گلدوزیان، ۱۳۹۶، ج ۱ ص ۲۲)

این تعریف نیز قید اضافی دارد زیرا قید عمدی در تعریف کافی بود و لازم به ذکر آگاهانه نیست.

برخی دیگر از حقوقدانان قتل عمدی موجب قصاص را چنین تعریف کرده‌اند: «هر رفتاری که از انسان بالغ و عاقل صورت پذیرفته و موجب سلب عمدی حیات از انسان محقون‌الدم دیگری بدون مجوز قانونی شود» (الهی منش، مرادی، ۱۳۹۲، ص ۳۰)

این تعریف دقیق، جامع و مانع بنظر می‌رسد زیرا قید «هر رفتاری» شامل تمام مصادق افعال و اعمال مادی و غیر مادی فعل و ترک فعل می‌شود. و ذکر کلمه «سلب عمدی» قتل

شبه عمد را خارج می‌کند و واژه «انسان» نیز کشتن حیوانات دیگر و یا چیزی‌هایی که اسم انسان به آن صادق نیست مثل جنین و.. خارج می‌کند و قید «محقون الدم» خارج می‌کند قتل فراش را براساس ماده ۶۳۰ ق.م.ا چنانچه شوهر همسر خود را با مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا ببیند و علم به تمکین همسر خود داشته باشد می‌تواند هردو را به قتل برساند و از قصاص معاف است. و آوردن کلمه «دیگری» به این خاطر است که خود کشی خارج از تعریف خارج شود و اما اصطلاح « بدون مجوز قانونی » به این خاطر است که قتل عمدی با مجوز قانونی را خارج کند مثل به دار آویختن دستگاه قضایی کسی را که سزاوار چنین مرگ است.

#### ۲-۵. معیار عمد در قانون مجازات

ماده ۲۰۶ ق.م.ا. جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود:  
 الف- هرگاه مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افرادی معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را داشته باشد و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن واقع شود، خواه کار ارتكابی نوعاً موجب وقوع آن جنایت یا نظیر آن بشود، خواه نشود.  
 ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هر چند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.  
 پ- هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.  
 ت- هرگاه مرتکب قصد ایراد جنایت واقع شده یا نظیر آن را داشته باشد، بدون آنکه فرد یا جمع معینی مقصود وی باشد، و در عمل نیز جنایت مقصود یا نظیر آن، واقع شود، مانند اینکه در اماکن عمومی بمب گذاری کند.  
 تبصره ۱- در بند (ب) عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات،

## بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد \* ۴۵

جنایت عمدی است مگر جنایت واقع شده فقط به علت حساسیت زیاد موضع آسیب، واقع شده باشد و حساسیت زیاد موضع آسیب نیز غالباً شناخته شده نباشد که در این صورت آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات شود و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود. تبصره ۲- در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

### ۵-۲-۱. علم به حکم

بر اساس ماده ۱۵۵ ق. م. ا جهل به حکم مانع مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای او ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود. وقت قانون گذار، قانون را وضع می‌کند بعد از گذشت مدت قانونی فرض بر این است که تمام شهروندان از قانون آگاهی دارد و ادعای جهل پذیرفته نمی‌شود مگر اینکه شرایط طوری بوده که عادتاً علم به قانون میسر نبوده مثل اینکه در جای حبس بوده در چنین مواردی با اثبات عذر از مجازات تبرئه می‌شود.

### ۵-۲-۲. علم به موضوع

علم به موضوع یعنی علم مرتکب به عناصر، ماهیت، شرایط و کیفیاتی که مقنن در قانون تعیین کرده است و قانون گذار در ماده ۲۹۰ ق. م. ا. به آن تصریح نموده است. به همین روی، جهل به آن در حالی که جهل به عناصر واقعی و اساسی باشد، مؤثر خواهد بود. در قتل عمدی، مراد از علم به موضوع چهار چیز است: ۱- علم به وجود انسان، ۲- علم به زنده بودن مقتول، ۳- علم به نوعاً کشنده بودن رفتار خود، ۴- علم به وضعیت جسمانی مجنی علیه.

### ۵-۲-۳. علم به وجود انسان

طبق ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (مرتکب با انجام کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معین یا افراد غیر معین...) در تحقق قتل عمد، جانی باید قصد ایراد جنایت بر انسان را داشته باشد بنابراین این اگر مرتکب تیری را رها کند به قصد اینکه آهوی را شکار کند یعنی قصد ایراد حرج و قتل

بر غیر انسان را داشته باشد مشمول ماده نمی‌شود اگر چه انسان در بدل مثلاً آهو کشته شود زیرا قصد جنایت بر او را نداشته.

#### ۴-۲-۵. علم به زنده بودن مقتول

یکی از موارد علم به موضوع، علم به زنده بودن مقتول است؛ زیرا قتل عمدی، سلب حیات از انسان ذی حیات است و تحقق آن مستلزم علم به حیات است. فردی که با آگاهی از زنده بودن انسان به آن صدمه وارد می‌کند، استحقاق خود را برای کیفر سنگین قصاص به اثبات می‌رساند و کسی که ولو به قصد جنایت بر مرده، با کینه قبلی، نسبت به وی اقدام کند، عنصر روانی قتل عمدی را نداشته است. چنین فردی اگر چه ممکن است در حال ارتکاب جنایت، عقده‌های خود را بر شخص منظور خالی کرده باشد، ولی به زعم اینکه نهایتاً دیه جنایت بر مرده‌ای را بپردازد، اقدام به آن نموده است؛ اما اگر می‌دانسته که فرد زنده است، چه بسا با محاسبه کیفر سنگین قصاص هرگز به چنین عملی مبادرت نمی‌ورزید؛ بنابراین جهل به زنده بودن می‌تواند کیفر قصاص را از وی بزداید، اما موجب سلب کیفر دیه جنایت بر مرده از او نخواهد شد.

#### ۵-۲-۵. علم به نوعا کشنده بودن رفتار خود.

ممکن است سوال شود چطور می‌شود مرتکب آگاهی نداشته باشد به اینکه رفتارش نوعا کشنده است یا خیر؟ اگر اغلب مردم می‌دانند که این نوع رفتار غالباً کشنده است پس چیزی مخفی نیست و در نتیجه بحث از آن لغو خواهد بود.

در جواب سوال فوق باید متذکر شد که منظور از رفتار نوعا کشنده این نیست که مثلاً انداختن شخصی را از ساختمان چهار طبقه غالباً کشنده است یا خیر بلکه فرض بحث موردی است که از ارتفاع ساختمان آگاهی ندارد یا مثلاً کسی را به آب انداخته ولی گمان می‌کرده آب کم است چنین صورت مشمول ماده ۲۰۹ نخواهد بود.

#### ۳-۵. انواع وسیله

اصولاً آلت قتاله در تحقق قتل عمدی موضوعیت قانونی، حتی عرفی نیز ندارد؛ زیرا قصد قتل به تنهایی با هر وسیله و آلتی اعم از قتاله غالباً یا نادراً نسبت به مقتول، در اتصاف قتل،



## بررسی فقهی و حقوقی معیار قتل عمد \* ۴۷

به عمدی کافی است و تنها دلیلی که فقها و حقوقدانان در رابطه با آلت قتاله، سبب اعتقاد به عمدی بودن قتل شده است، وجود قصد ضمنی در این گونه موارد است. فی المثل مجرمی که به قصد فرار از دست پلیس وی را هل می دهد و پلیس افتاده و سرش به کنار جدول خیابان اصابت کرده و می میرد با موردی که مجرمی جهت رهایی خود از چنگ قانون با لوله آهنی به فرق پلیس می زند و او کشته می شود اگر مقایسه شود، معلوم خواهد شد قصد قتل صریحاً با اینکه در هیچ یک از دو مورد مذکور نیست، اما در مثال دوم قصد قتل به طور ضمنی وجود دارد؛ زیرا که قاتل، قتل پلیس را حتماً یا امکاناً پیش بینی می کرده است، ولی در مثال اول چنین پیش بینی وجود ندارد؛ بلکه منظور قاتل، مشغول ساختن پلیس به خود بوده است؛ بنابراین آلت قتاله در مورد قتل به این جهت مورد توجه قرار گرفته است که قاتل، قتل مقتول را حتماً یا امکاناً پیش بینی می نماید و این پیش بینی خود، قصد قتل به طور ضمنی است. نظر به توضیحات فوق از آنجایی که فعل کشنده ممکن است نوعاً کشنده باشد یا نادراً کشنده، به تشریح هر یک می پردازیم:

### ۱-۳-۵. نوعاً کشنده

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانون گذار به درستی علم به نوعاً کشنده بودن را لازم دانسته است و لذا دادگاه ها نمی توانند بدون احراز چنین علمی حکم به تحقق قتل عمدی دهند. مطابق بند «ب» ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می گردد، هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد، ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می شود». امری که در بند «پ» همان ماده به صورتی دیگر تکرار شده است. «هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده، نمی شود. لکن در خصوص مجنی علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت می شود، مشروط بر آن که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد».

با توضیحات فوق مشخص می گردد که کلمه «قصد» در عبارات «هر چند قصد ارتکاب

آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد» در ماده مزبور به معنای خواست تحقق مرگ به کار رفته است؛ یعنی در صورتی که مرتکب خواهان تحقق مرگ نباشد، اما آگاه باشد که رفتار او به صورت نوعی منجر به مرگ می‌گردد، بر اساس بند «ب» مزبور، قاتل عمدی شناخته خواهد شد. قانون‌گذار در بندهای «ب» و «پ» ماده ۲۹۰ داشتن قصد کشتن را در قتل عمدی مهم ندانسته، بلکه انجام کار نوعاً کشنده مطلق را در بند «ب» و نوعاً کشنده را در بند «پ» از این ماده، در تحقق قتل عمدی کافی دانسته است؛ بنابراین رفتار نوعاً کشنده به دودسته‌ی نوعاً کشنده مطلق و نوعاً کشنده نسبی تقسیم می‌گردد:

### ۵-۳-۲. رفتار نوعاً کشنده مطلق

در بند «ب» ماده ۲۹۰ مقنن بر مبنای نوع رفتار فاعل، برخی قتل‌ها را عمدی شمرده است، ویژگی و خصوصیت مورد نظر در این نوع رفتار، نوعاً کشنده بودن آن است. مراد از نوعاً در رفتار نوعاً کشنده، نوع انسان متعارف و سالم و بی‌عیب خواهد بود. این نوع از قتل عمدی به حدی از اهمیت برخوردار است که حتی گروهی از حقوقدانان بر این باورند که لازمه تحقق قتل عمدی، همواره کشنده بودن رفتار مجرمانه است و بدون آن، علاوه بر داشتن قصد نتیجه قتل عمدی نخواهد بود

اما وجود آلت قتاله و استفاده از آن به خودی خود نمی‌تواند قتل را عمدی نماید، بلکه حسب نوع استفاده‌ای که از آلت قتاله می‌شود، می‌تواند آن را قتل عمدی کند؛ بنابراین نه تنها فعل نوعاً کشنده منحصر به آلت قتاله نیست (مثلاً فشردن گلو، می‌تواند نوعاً کشنده باشد، ولی آلت قتاله وجود ندارد)؛ بلکه صرف استعمال آلت قتاله نیز لزوماً از مصادیق فعل نوعاً کشنده نیست، مثل اینکه کسی با هفت تیر قوزک پای دیگری را نشانه گرفته و به آن تیر بزند (صادقی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۷) این جمله که گفته شود «فعل نوعاً کشنده همان آلت قتاله است» نیز قابل نقد است؛ زیرا ما در اینجا از فعل که یک رفتار است سخن می‌گوییم نه از ابزار و استفاده از آن؛ بنابراین حسب اینکه از این ابزار چگونه استفاده شود، در رفتار قتاله اهمیت دارد. گاهی این ابزار در مسیر قتاله استفاده می‌شود و گاهی با اینکه خطرناک و کشنده است، اما در مسیر قتاله مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

### ۳-۳-۵. رفتار نوعاً کشنده‌ی نسبی

در بند «پ» ماده‌ی ۲۹۰ مانند بند «ب» عمل نوعاً کشنده به‌عنوان رکن اساسی در قتل عمدی محسوب می‌شود. بند «پ» مذکور مشابه بند «ج» بیشتر به‌خصوصیتی که در مجنی‌علیه وجود دارد، توجه شده است و از طرف دیگر مجنی‌علیه در این بند نسبت به مجنی‌علیه بند «ب» ناسالم، مریض یا ضعیف محسوب شده است، اما در بند «پ» ماده‌ی ۲۹۰ علاوه بر عللی که در مجنی‌علیه وجود دارد، به شرایطی که مربوط به موقعیت خاص زمانی یا مکانی مربوط می‌شود، نیز اشاره و اضافه شده است.

حقوقدانان در کتب خود با عنایت و استناد به متون فقهی مختلفی که در این خصوص وجود داشتند، موارد دیگری از رفتار نوعاً کشنده‌ی نسبی را نام بردند که سنخیتی با مثال‌های مقنن نداشتند؛ زیرا در متون فقهی مواردی از قتل‌هایی پیش‌بینی شده‌اند که موقعیت و شرایط خاص زمانی یا مکانی رفتاری را نسبتاً کشنده کرده است. برای مثال، شلاق زدن در گرما و سرمای شدید می‌تواند نوعاً کشنده باشد (طوسی، ۱۳۵۱، ج ۲ ص ۱۷) در حالی که چنین رفتاری در هوای معتدل نمی‌تواند عمدی محسوب شود. نمونه‌ی دیگر از شرایط خاص نسبتاً کشنده در یکی از آرای اصراری دیوان عالی کشور دیده می‌شود. به‌موجب این رأی، هرچند ریختن بنزین بر روی دیگری عمل نوعاً کشنده نیست، اما هرگاه قربانی در کنار آتش نشسته باشد، این عمل نوعاً کشنده محسوب می‌شود و در صورت مرگ قربانی و ورود جراحت به وی، جرم ارتكابی عمدی خواهد بود (رأی اصراری، شماره‌ی ۲۴/۸۴: ۱۳۸۴).

### ۳-۳-۴. نادراً کشنده

قتل عمد با قصد کشتن از سوی شخص بالغ و عاقل با وسیله‌ای که غالباً کشنده است، حاصل می‌شود و نیز با وسیله‌ای که به‌ندرت کشنده است و اتفاقاً موجب قتل شده است، محقق می‌شود. همان‌طور که در بند «الف» ماده‌ی ۲۰۶ ق. م. ا. مصوب ۱۳۷۰ و نیز بند «الف» ماده‌ی ۲۹۰ مصوب ۱۳۹۲ به آن اشاره گردیده است، زیرا قتل عمد با قصد انجام قتل محقق می‌شود، بدون آنکه آلت قتل دخالتی داشته باشد، از این رو، چنین موردی مشمول ادله قتل عمد می‌شود، اما اگر با آلتی که به‌ندرت کشنده است قصد زدن نماید، حتی اگر مرگ اتفاق افتد قصاص نمی‌شود؛ مانند زدن با چوب سبک؛ زیرا قصد قتل و وجود ندارد و

چنین ابزاری معمولاً کشنده نیست. از این رو این قتل، قتل عمد نیست، بلکه شبیه به خطا است (مرادی، شهبازی، علی، مصوب ۱۳۹۲ ص ۱۶).

مرحوم صاحب جواهر می گوید: «اگر کسی با وسیله‌ای که به ندرت کشنده است، قصد قتل کسی را بکند و بزند آن شخص هم بمیرد، در این مسئله دو قول است. یک قول گفته شده عمد است، قول دیگر گفته قتل عمد است. محقق قول دوم را تأیید کرده و می فرماید: «اشبه به اصول و قواعد مذهب از جمله اطلاق ادله این است که این قتل عمد بوده و قاتل قصاص می شود. این قول اشهر است و همهی فقهای متأخر بر این عقیده‌اند» (نایب زاده، ۱۳۹۲، ج ۱ ص ۲۲) بنابراین عملی که قاتل نسبت به مقتول انجام می دهد، اگر همراه با قصد قتل باشد، قتل عمدی خواهد بود و ابزار و آلت قتل مدخلیتی در آن نخواهد داشت.

#### ۴-۵. علم به وضعیت جسمانی

طبق بند «ج» ماده‌ی ۲۰۶ ق. م. ا. مصوب ۱۳۷۰ که مقرر می دارد: «مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست، ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی و امثال آن‌ها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد». طبق این بند و نیز بند «پ» ماده ۲۰۶ ق. م. ا. مصوب ۱۳۹۲ در صورت آگاه بودن به وضعیت جسمانی مجنی علیه رفتار که نوعاً نسبت به آن وضعیت کشنده باشد مشمول قتل عمد خواهد بود.

وضعیت مجنی علیه، موردی است که وسیله مدخلیت ندارد چه عادتاً کشنده باشد یا نباشد اما به لحاظ وضعیت جسمانی مجنی علیه، ضرب یا جرحی که به محل غیر حساس اصابت می کند، مؤثر بوده و منجر به سلب حیات یا صدمه‌ی بدنی می شود. مثلاً هرگاه مجنی علیه، مریض یا ضعیف یا کودک باشد و مرتکب، او را چنان مجروح و مضروب نماید که انسان سالم و بزرگ را نمی کشد ولی این ضرب یا جرح به طور عادی، شخص مریض یا ضعیف و یا کودک را به قتل می رساند، مرتکب اگر آگاه به وضعیت جسمانی مجنی علی مرتکب جنایت قتل عمدی شده و محکوم به قصاص می شود (مرادی، و شهبازی، مصوب ۱۳۹۲ ص ۱۸).

## ۶. نتیجه

جرایم دو گونه‌اند یکی جرایم مطلق و دیگری جرایم مقید به نتیجه، قتل عمد یکی از جرایم مقید به نتیجه است آنچه در این مقاله مورد کاوش قرار گرفت عنصر روانی یا معنوی قتل عمد بود به عبارت دیگر ظابطه در تمایز قتل عمد از قتل شبه عمد و خطاء محض مورد بررسی قرار گرفت.

معیار تمایز قتل عمد از دید گاه فقها بطور کلی منتهی به قصد است، یعنی در هر جا قصد قتل باشد خارج از دایره‌ی قتل عمد نیست حتی قصد ضمنی یا تبعی در تحقق قتل عمد نیز کافی است. اما اینکه ابزار قتل نوعا کشنده باشد می‌تواند معیار قتل عمد قرار بگیرد یا خیر؟ اکثر فقها این ظابطه را پذیرفته ولی بعضی فقها از این جهت پذیرفته که رفتار نوعا کشنده منفک از قصد ضمنی نیست بنابر این اگر احراز شود که قصد قتل نداشته علی القاعده باید از دایره قتل عمد خارج شود.

اما وقت قانون مجازات اسلامی ماده ۲۰۶ را مورد بررسی قرار می‌دهیم در بند «الف» قتل عمد را منوط به قصد قتل می‌کند که این صورت مورد اتفاق فقها و دکترین علم حقوق است. اما در بند «ب» ماده مذکور بیان شده که با رفتار نوعا کشنده حتی با احراز عدم قصد قتل متصف با قتل عمد است که این مورد محل اختلاف بین فقها است ولی از آنجا که تعبیر ماده مذکور رفتار است نه وسیله می‌توان اکثر عبارات فقها را حمل بر ماده کرد.

در بند «ج» ماده ۲۰۶ هیچ کدام از دو معیار فوق ملاحظه نشده اگر کاری انجام دهد که نوعا کشنده نیست و نسبت به آن شخص بر اثر بیماری یا پیری یا... نوعا کشنده باشد مرتکب قتل عمد شده مشروط به اینکه آگاه باشد به وضعیت جسمانی مجنی علیه و فعل که انجام داده اینکه به طور نسبی نوعا کشنده است.

## ۷. فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن براج، عبد العزیز، ۱۳۰۶ق، المہذب، قم، مؤسسہ نشر اسلامی.
۲. ابن حمزہ، محمد بن علی، ۱۴۰۸ق، الوسیلہ الی نیل الفریضۃ، قم، مطبوعۃ الخیام.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسایل الشیعہ، قم، مؤسسہ آل البیت، اول.
۴. حسینی، نجیب، ۱۳۹۲، شرح قانون العقوبات، قاہرہ، دار النهضۃ العربیۃ.
۵. حلی، محمد بن محمد، ۱۴۲۳ق، السرائر، قم، مؤسسہ نشر اسلامی.
۶. خوانساری، احمد، ۱۴۰۵ق، جامع المدارک فی شرح المختصر المنافع، قم، مؤسسہ اسماعیلیان، دوم.
۷. خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، مبانی تکمیلۃ المنہاج، قم، نشر مدینۃ العلم.
۸. نجفی، محمد حسن، ۱۴۲۸ق، جواهر الکلام، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ہفتم.
۹. صادقی، میر محمد، ۱۳۹۰، جرایم علیہ اشخاص، تہران، میزان.
۱۰. طوسی، محمد، ۱۳۵، الکافی، تہران، خرسندی.
۱۱. طوسی، محمد، ۱۳۵۲، المبسوط، تہران، المكتبة المرتضویۃ الاحیاء الآثار الجعفریہ.
۱۲. فاضل ہندی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ق، کشف الثام والابہام عن قواعد الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۱۳. گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۶، بایستہ ہای حقوق جزای عمومی، تہران، میزان.
۱۴. لنکرانی، فاضل، ۱۴۲۹ق، تفصیل الشریعہ فی الشرح تحریر الوسیلہ، مرکز فقہی ائمہ اطہار.
۱۵. مجلسی، محمد تقی، ۱۴۰۶، ہ. ق، روضۃ المتقین، مؤسسہ اسلامی کوشانپور.
۱۶. مرادی، حسن و شہبازی، علی، عنصر معنوی قتل عمدی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، فصلنامہ پژوهش حقوق کیفری.

۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، فرهنگ نما، واژه عمد.
۱۸. نایب زاده، اکبر، ۱۳۹۲، ترجمه و شرح جواهر الکلام، خرسندی.
۱۹. الهی منش، محمد رضا، ۱۳۹۲ مرادی، اوچقاز، جرایم علیه اشخاص، تهران، مجید.





# Nasim Kowsar

## Scientific Quarterly



- Jurisprudential analysis of retribution of infidel types
- Jurisprudence and legal examination of the criterion of intentional murder
- Punishment for starting a crime from the perspective of the relevant laws of Iran and Afghanistan
- Social justice in the thought of martyr Motahari
- Jurisprudential and legal analysis of the nature of verb condition in electronic contracts
- Ignorance and its consequences in the Quran
- Comparison and proportionality of jurisprudence and ethics